

اشاره

در قسمت نخست این مقاله درباره اهمیت، اجر اخروی و اهداف تربیت و وظایف منتظران در زمان غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بحث شد. در این قسمت اصول حاکم بر تعلیم و تربیت را به طور اختصار بررسی می‌کنیم.

مفهوم اصول در تعلیم و تربیت چیست؟ برخی، اصول تربیت را عبارت از مبانی عقلانی و مقیاس‌هایی می‌دانند که به وسیله آنها می‌توان فعالیت مطلوب تربیتی را به سامان رساند.

بعضی از صاحب نظران، مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی را که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ والدین و متعلمان در کلیه اعمال تربیتی باشد. اصول تعلیم و تربیت می‌دانند و معتقدند که اصول تعلیم و تربیت، مبتنی بر تعالیم دینی، تحقیقات روان‌شناسی جامعه‌شناسی، فرهنگی نظریات مربیان بزرگ و علمای تعلیم و تربیت است.

مهم‌ترین اصول تربیت اسلامی که بیشترین تأثیر را در دستیابی انسان به کمال نهایی و نیل به قله قرب خدای سبحان و سعادت حقیقی دارند و فعالیت‌های تربیتی باید براساس آنها صورت پذیرد، عبارت‌اند از:

1. سلامت نفس مربی

کسانی که در مصدر و بستر تربیت قرار می‌گیرند بایستی ابتدا به تربیت خود بپردازند. یک انسان تربیت شده قادر خواهد بود که بعنوان مربی نقش خود را خوب ایفا کند. در بیماری‌های ویروسی و واگیردار، معمولاً ما شخصی را که مبتلا به بیماری می‌باشد، از استفاده مشترک از وسایل منع می‌کنیم زیرا انتقال میکروب باعث بیمار شدن افرادی است که در آن محیط زندگی می‌کنند. در خانواده‌ای که پدری عصبانی، پرخاشگر، بدزبان یا مادری مضطرب، وسواسی و افسرده وجود دارد، مسلماً در روحیه فرزندان اثر منفی می‌گذارد. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس در مصدر تربیت قرار می‌گیرد قبل از پرداختن به تربیت دیگران ابتدا باید به تربیت خود بپردازد». خداوند در سوره تحریم فرموده است:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ 1 ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و خانواده‌تان را از آتش دوزخ حفظ کنید».

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده‌اش نیک‌رفتارتر باشد و من نسبت به خانواده ام نیک رفتارتر هستم». در روایت داریم شخصی خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمد و از اینکه همسرش نماز نمی‌خواند به آن حضرت (صلی الله علیه وآله) شکایت کرد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به او فرمودند: «ابتدا از نعمت‌های بهشتی برای همسرت بگو و از رابطه با خدا با او صحبت کن؛ ابتدا به او بشارت بده». شخص گفت: یا رسول الله من ابتدا او را تشویق کردم ولی نتیجه‌ای نگرفتم. پیامبر (صلی الله علیه

وآله) فرمودند: «او را از عذاب الهی بترسان و بگو اگر کسی یک نماز او عمداً ترک گردد اهل جهنم است». گفت: یا رسول الله (صلی الله علیه وآله) درمورد عذاب الهی او را هشدار داده‌ام ولی فایده‌ای نداشته است. حضرت فرمود: «زن تو چه علتی دارد که نماز نمی‌خواند؟» شخص گفت یا رسول الله زنم به من می‌گوید، تو نماز بخوان تا من هم نماز بخوانم. در مصاحبه‌ای که با دختر امام (رحمت الله علیه) در یکی از برنامه‌های رادیو انجام شد، از ایشان سؤال شد: نحوه برخورد امام (رحمت الله علیه) با نماز فرزندان خود چگونه بود؟ دختر امام فرمودند: هر وقت اذان می‌گفتند آقاجون مہیای نماز بودند». الگوی والدین بسیار در تربیت مؤثر است. اینکه امام صادق (علیه السلام)) فرمودند: «دیگران را با غیر زبانتان به طرف خدا بخوانید». روش الگویی یکی از مؤثرترین روش‌های تربیت است. بنابراین پدران و مادرانی که به تربیت صحیح فرزندان خویش و سعادت دنیوی و اخروی آنها علاقه دارند، باید ابتدا رفتارشان را اصلاح کنند و خودشان را به صورت بهترین الگو درآورند تا فرزندان‌شان از آنها تقلید نمایند و درس زندگی بیاموزند. چنانچه رفتار والدین بد باشد نباید از کودکان‌شان انتظار داشته باشند که خوب پرورش یابند، زیرا کودکان غالباً از رفتار بد آنها تقلید می‌کنند و بد تربیت خواهند شد. والدین در صورتی می‌توانند فرزندان خویش را با تربیت اسلامی و مقید به ضوابط شرعی پرورش دهند که خودشان نیز در محیط خانواده و در حضور فرزندان به انجام وظایف دینی و رعایت اخلاق نیک اسلامی ملزم باشند، و از ارتکاب گناه خودداری کنند. یکی از مسائل مهم در این اصل بین قول و عمل مربی نباید تعارض وجود داشته باشد. اگر مربی، خود، به آنچه می‌گوید، عمل کند، مربی، راه خود را به خوبی می‌شناسد و از رفتار مربی سرمشق می‌گیرد و گفتارش را مؤید رفتار مربی محسوب می‌دارد. اما چنانچه در بین گفتار و رفتار او تفاوت و دوگانگی مشاهده کند، سرگردان خواهد شد، نمی‌داند از گفتار مربی پیروی کند یا از رفتار او. یا به طور کلی سلب اعتماد می‌کند. یا اینکه رفتار او را ترجیح می‌دهد و پیروی می‌نماید، اما به هر حال گفتارش از اعتبار ساقط می‌شود. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «چنانچه عالم به علم خود عمل نکند مواعظ او با سرعت از قلب‌ها زایل می‌شود چنانچه باران از جای صاف و صیقلی می‌لغزد و زایل می‌گردد».

مکن در این چمنم سرزنش به خودرویی چنانچه پرورشم می‌دهند می‌رویم

در روایتی چنین نقل شده که زنی به حضور رسول الله (صلی الله علیه وآله) رسید و از اینکه فرزندش خرما زیاد مصرف می‌کند شکایت کرد. به همین دلیل از حضرت تقاضا کرد تا او را نصیحت کنند که کمتر خرما بخورد. حضرت (صلی الله علیه وآله) به آن زن می‌فرمایند که امروز برو و فردا بیایید. آن زن فردا خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) می‌رسد حضرت به فرزندش توصیه و سفارش فرمودند که خرما کمتر مصرف کند و فرزند هم می‌پذیرد. زن به پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرض می‌کند: یا رسول الله چرا دیروز این مطلب را به فرزندم نگفتید؟ حضرت می‌فرمایند: دیروز زمانی که خواستم این مطلب را به فرزند شما بگویم، خرما خورده بودم. به عبارت دیگر «رطب خورده منع رطب کی کند؟».

دو نتیجه از این واقعه گرفته می‌شود:

1. اینکه کسی که می‌خواهد راهبر، راهنما و معلم باشد اول باید خود اهل عمل باشد و خود سلامت نفس داشته باشد و الا نمی‌تواند اثری بگذارد.

2. اینکه گاهی در تربیت فرزندان والدین خود نمی‌توانند تأثیرگذار باشند؛ حرفشان اثری ندارد. آنها باید نگاه کنند که چه کسی می‌تواند در فرزندشان نفوذ داشته باشد و از توان او استفاده کنند. مثلاً گاهی خاله، دایی و گاهی امام جماعت مسجد محل می‌تواند روی فرزند تأثیرگذار باشد. خلاصه این اصل این است که هر کس به عنوان مربی و معلم در مصدر تربیت قرار گرفت باید سلامت نفس داشته باشد و الا در تربیت موفق نخواهد بود.

2. توجه به تفاوت‌های فردی

یکی از اصولی که مربی باید در تربیت به آن توجه کند، اصل تفاوت‌های فردی است. در قرآن کریم آیاتی وجود دارند که تفاوت‌ها و برتری بین افراد را تشریح می‌کند؛ تفاوت‌های در خلقت و در عمل و در محیط‌های گوناگون، و شکی نیست که این تفاوت‌های بین افراد ناشی از حکمت الهی است زیرا همین تفاوت است که آنان و اجتماع را به سوی تکامل مستمر سوق می‌دهد؛ به طوری که اگر بشر مانند زنبور عسل، یکنواخت خلق شده بود، حسّ ترقی طلبی و بلندپروازی انسانی در نهاد او وجود نداشت و آن صورت تکامل ترقی برای انسان نبوده علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خیر مردم در تفاوت آنهاست و اگر همه مساوی باشند هلاک می‌شوند». در قرآن کریم نیز آمده است:

«ما لكم لا ترجون لله وقاراً2. . . و قد خلقكم أطواراً؛ چرا در برابر خدایی که شما را گوناگون و مختلف آفریده است تعظیم نمی‌کنید». یا در حدیث شریف از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که ما گروه انبیا مأموریت داریم که با مردم در حدود عقلشان سخن بگوییم. مربی شایسته باید به این اصل تفاوت‌های فردی توجه کند و بر اساس توانایی و توانمندی مربی خود از او توقع داشته باشد. خصوصاً اگر والدین به این اصل توجه نکنند، مجبور خواهند بود، فرزندان را با هم مقایسه کنند. این امر، حسّ حسادت و کینه‌ورزی را در فرزندان شعله‌ور می‌نماید.

تفاوت‌های فردی سه بخش دارد: تفاوت‌های جسمانی، تفاوت‌های نفسانی، تفاوت‌های عاطفی و اخلاقی.

1-2. تفاوت‌های جسمانی: هر کودکی از جهت سلامتی یا بیماری، نیرومندی یا ضعف مزاج، زیبایی ظاهری، ساختار حواس پنج‌گانه امکان دارد با گروه‌های هم‌سن خود تفاوت‌هایی را داشته باشد. نباید رنگ پوست بچه، زیبایی ظاهری یا زشتی او باعث ایجاد تفاوت در بین بچه‌ها باشد. والدین باید با توجه به استعداد فرزندان خود زمینه‌های رشد و تکامل فرزند را با توجه به نقص‌ها و کمبودها در وجود او ایجاد نمایند.

2-2. تفاوت‌های نفسانی: مانند هوش، فهم، حافظه؛ کودکان از همان ابتدای تولد این تفاوت‌ها را دارند یعنی برخی بسیار تیزهوش و در حدّ نبوغ و برخی در پایین‌ترین مراحل هوش و به اصطلاح کودن هستند. مربیان و اولیا نباید توقع یکسان از این کودکان داشته باشند و در مقام مقایسه آنان با دیگران برآیند.

3-2. تفاوت‌های عاطفی و اخلاقی: از جهت عواطف و اخلاق در بین کودکان تفاوت‌هایی وجود دارد که در وجود آنها نهاده شده و طبیعی محسوب می‌شود. این صفات و خصوصیات عبارت است از زرنگی و پرتحرکی، تنبلی و بی‌حالی، تندخویی یا خوش اخلاقی، زود رنجی یا خونسردی، ترشرویی یا گشاده‌رویی، خوش‌بینی یا بدبینی، پرگویی یا کم‌حرفی، گوشه‌گیری یا گرایش اجتماعی، زودباوری یا دیرباوری، خودبزرگ‌بینی یا احساس حقارت، ریاست‌طلبی یا ترس از قبول مسئولیت، کم‌رویی یا پررویی، افسردگی یا شادمانی، ترس یا بی‌باکی، بخشش یا بخل، بدخواهی یا خیرخواهی، با نظم بودن یا بی‌نظم بودن. این صفات گاهی اکتسابی هستند، گاهی ذاتی و طبیعی. بعضی از کودکان از همان زمان کودکی واجد این صفات هستند. گاهی این صفات ارثی است، یا مربوط به دوران انعقاد

نطفه و ایام بارداری. اعتقاد والدین و مربیان به تفاوت‌های فردی در امر تربیت بسیار مؤثر است. دانشمندان برای شناخت تفاوت‌های فردی کودکان روش‌های مختلفی را پیشنهاد کرده و لذا آشنایی با این اصل به مربی کمک می‌کند در امر تربیت موفقیت بیشتری داشته باشند.

پی نوشت ها :

1. سورة تحریم (66)، آیه 6.

2. سورة نوح (71)، آیه 14.